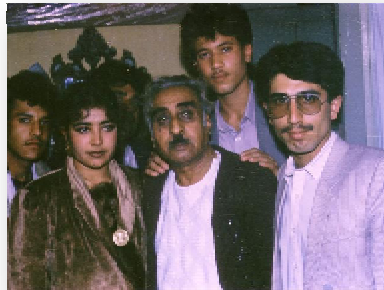


حفیظ بخش،

نخچه پرباری دست پروده شمشاه غزل، زنده یاد استاد رحیم بخش



این عکس یادگاری حفیظ بخش با استاد رحیم بخش فقید است که در سال ۱۳۶۸ خورشیدی از محفل گرمانی وی گرفته شده است.

گفت و شنود فضل الرمیم (می)،

با حفیظ بخش، غزل فوان مستعد کشورما در جمهوری فدرال المان

حفیظ بخش، که از جمله شاگردان مستعد استاد رحیم بخش است، موسیقی را عاشقانه دوست دارد و ارزو دارد تا موسیقی کلاسیک و غزل به فراموشی سپرده نشود، به همین دلیل، او فعالیت های مثمیری را همراه با استاد حسین بخش فرزند استاد رحیم بخش، برای حفظ اصالت موسیقی کلاسیک و غزل، در دیار غربت براه انداخته است. با وی گفت و شنودی پیرامون زندگی هنریش انجام داده ام که توجه صاحب دل خواننده را به خوانش متن این گفت و شنود معطوف میدارم.

- چرا و چگونه به موسیقی رو آوردید؟

- بنام آنکه هستی از او نام گرفت، به پاسخ پرسش شما باید گفت که من هم مانند سایرین موسیقی را از اوان کودکی دوست داشتم و با علاقه وافر به آن گوش میدادم. اما این علاقه به مرور زمان به عشق تبدیل شده و سبب روی آوردن بنده به این هنر زیبا و ظریف گردید. من به موسیقی عشق ورزیده و انرا، راه رسیدن به خودی خود و شناخت هستی می پندارم، چنانچه گفته اند:

نفس در قالب ادم نمیرفت، درون سینه او ساز کردند.

- آگاهی شما از اساسات موسیقی آیا اندوخته های آکادمیک

است و یا اینکه نزد استادان موسیقی کشور زانو زده اید؟

- باید در این جا خاطر نشان شوم که بنده اساسات موسیقی

کلاسیک را نخست در کورس های آموزش موسیقی

کلاسیک در سال ۱۳۶۶ خورشیدی که در وزارت

اطلاعات و کلتور وقت راه اندازی شده بود فرا گرفتم، نا

گفته نماند که این کورس را مرحوم استاد رحیم بخش،

تدریس می کرد. بنا بر ارادتی که نسبت به ایشان پیدا کرده بودم در سال ۱۳۶۸ خورشیدی طور

رسمی نزد استاد گر گذاشتم که عده کثیری از هنرمندان خرابات و اماتور کشور و همچنان تعدادی

از شعرا و نویسندگان شهیر وطن ما شاهد برگزاری محفل گرمانی بنده در شهر کابل بودند.

- به نواختن کدام آلهه موسیقی دسترسی دارید و نواختن انرا چگونه فرا گرفته اید؟



- نواختن هارمونی را قبل از اینکه به آموزش موسیقی کلاسیک بپردازم شروع کرده بودم و این در حدود سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ خورشیدی بود که در آن زمان کم و بیش آهنگ نیز می خواندم، البته قابل یاد اوری میدانم که در قسمتِ اموختن هارمونی، دوستی داشتم بنام حبیب جان که زیبا و دلنواز هارمونی می نواخت، او مرا در فراگرفتن و نواختن هارمونی کمک های لازمی نموده است، نمی دانم فعلاً در کجا تشریف دارند. اگر این گفت و شنود را می خواند بدینوسیله سلام و احترامات صمیمانه مرا بپذیرد. به او و فامیلش صحت و سلامتی ارزو میدارم. بعداً نزد مرحوم استاد رحیم بخش، به نواختن اساسی هارمونی آغاز نمودم. از آنجائیکه برای اموختن موسیقی کلاسیک دانستن طبله نیز ضروری پنداشته می شود، تال های طبله را نیز، نزد استاد رحیم بخش، اموختم.

- تا جائیکه من میدانم، در اجرای آهنگهای تان بیشتر به سبک غزل خوانی میپردازید، اگر توضیح دهید، شما پیرو کدام مکتب کلاسیک هستید؟

- می خواهم در پاسخ این سوال مکتبی ننمایم، زیرا باید به پیشینه موسیقی کشورما نظر انداخته شود. با وجودیکه بنده خود را در این جا کاملاً صاحب نظر نمی شمارم، ولی تا جائیکه تاریخ گواه است، از تحقیق و مطالعه کم و بیش که در این راستا دارم و به شما نیز بهتر معلوم است که، در زمان سلطنت امیر شیرعلیخان و به خواست خود امیر عده از هنرمندان از کشور دوست هندوستان به افغانستان آمدند تا در محافل خوشی درباریان به اجرای موسیقی بپردازند. که موسیقی مکتبی و کلاسیک در کشورما از همین جا اساس گذاشته می شود، با آنکه موسیقی محلی و فلکلوریک وجود داشت. باید متذکر شوم، که قبلاً کدام مکتب بخصوص موسیقی در کشورما وجود نداشت، این هنرمندان اولی خرابات مربوط به مکاتب مختلف بودند که با



تلاش و همت عالی خود اهسته، اهسته به مرور زمان کار و فعالیت های مثمیری را در این راستا انجام دادند، و زنده یاد استاد قاسم افغان، اولین کسی بود که مکتب بخصوص غزل خوانی افغانستان را بنیاد گذاشت و بعداً شاگردان استاد غنامندی این مکتب پرداختند، که میتوان از زنده یاد استاد رحیم بخش بطور اخص یاد اور شد. من از سبک و مکتبی که پیروی می کنم مربوط به کشور عزیز خود ما می شود که میراث کبیر از استاد بزرگوار بشمار میرود.

- از خرابات و از خاطرات تان در خرابات بگوئید ؟

- دوست عزیز و فاضل، اگر بگویم که هر لحظه زندگی را که در خرابات و با خراباتیان گذرانیده ام برایم خاطره انگیز بوده است، شاید باور نکنید، زیرا در هر بار چیز های نوی را دیده و فرا گرفته ام، اما جالبترین خاطره ام روز گری مانی در منزل مرحوم استاد رحیم بخش، شهنشاه غزل، بود که جمعی کثیری از هنرمندان خرابات و اماتور عده از نویسندگان، شعراء و دست اندرکاران مطبوعات انزمان حضور بهم رسانیده بودند. که چند قطعه عکس از آن محفل نزدم باقی مانده و بس. با دریغ و درد که کست ویدیوئی آن محفل در اثر جنگ های خانماسوز کابل، که استاد جبراً راه غربت را به پیش گرفت، مفقود گردیده است، که مایه تاتر ام می باشد.

- از آغازین روزهای فعالیت هنری تان در کشور المان و سایر کشورهای اروپائی بگوئید ؟

- بعد از پناهنده شدن در کشور المان در سال ۱۹۹۸ عیسوی، فعالیت های هنری داشته ام و با آمدن استاد حسین بخش، فرزند استاد رحیم بخش، از هندوستان به کشور فنلند فعالیت های مشترک ما با استاد بیشتر گردیده و از سال ۲۰۰۲ عیسوی به این طرف تقریباً در اکثر کشورهای اروپائی کنسرت های را اجرا کرده ایم.

- در کنسرت های شما آلات موسیقی کاملاً شرقی بوده و نوازندگان خارجی از کشور هند هم با شما همکاری می نمایند، گفتنی های شما در زمینه چیست ؟

- بلی، از آنجائیکه در بالا متذکر شدم، سبک غزل خوانی افغانستان را پیروی می کنم که اجرای این سبک مستلزم آلات موسیقی شرقی و وطنی خودمان میباشد و هنرمندان هندی نیز در بعضی از کنسرت ها با من همکاری داشته و دارند. اما به شما بهتر معلوم است که در اروپا ما با نبود نوازنده گان روبرو هستیم و در اکثر محافل مجبور می شویم که صرف با یک هارمونی و طبله پروگرام را به پیش ببریم.

- رابطه شما با غزل خوانان کشور ما که در داخل و خارج از کشور تشریف دارند چگونه است؟
- رابطه کاملاً دوستانه و صمیمانه با اکثر هنرمندان عزیز ما دارم، البته در داخل کشور با محترم استاد سلیم بخش در تماس دائمی هستم و از رهنمائی های شان همیشه مستفید می شوم و در خارج از کشور با محترم استاد حسین بخش، که کار های مشترک هنری داریم، با استاد محترم شریف غزل و محترم محبوب الله محبوب، که دوستان سابقه بنده میباشند، در تماس هستم.
- وضع موسیقی امروز کشور ما را شما چگونه میبینید؟



- به گفته مشهور مردم ما "چیزیکه عیان است چی حاجت به بیان است"، من فکر می کنم، که وضعیت کاملاً روشن و مبرهن است، همانطوریکه ما در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بحران قرار داریم، در عرصه فرهنگی نیز بحران جدی ما را احاطه نموده، این بجاست که وضعیت کنونی پیامد جنگهای روان در کشور عزیز ما می باشد و از جانبی دیگر پناهنده شدن و مهاجر شدن اکثر فرهنگیان و هنرمندان وطن ما در سرتاسر دنیا نیز تاثیر قابل ملاحظه خود را داشته و دارد. اگر بطور مشخص بر وضع موسیقی کلاسیک و غزل در داخل و خارج از کشور نظر بیندازیم متوجه می شویم که وضع قناعت بخش نیست و کار هم برای رشد آن بطی به پیش میرود. در خارج کشور ببینیم که جوانان ما بیشتر علاقمند موسیقی های پاپ غربی هستند. دست

اندرکاران جوان ما در عرصه موسیقی هم بیشتر بخاطر درآمد مادی خود به موسیقی های پاپ و روک میپردازند. و از جانبی ما فاقد نهاد های هنری و ادبی هستیم که بهترین وسیله برای آگاه ساختن نسل جوان افغان در خارج از کشور به حساب می آید. این نهاد ها می توانند با برنامه ریزی های منظم و راه اندازی پروگرام های هنری و ادبی موسیقی کلاسیک و غزل را به نسل جوان کشور ما در خارج از افغانستان، به معرفی بگذارند. اگر این نهاد ها موجود هم هستند، کاری لازمی را در این عرصه به پیش نبرده اند. من فکر میکنم که باید در خارج از کشور زیاد تر فامیلها در این عرصه توجه نمایند و فرزندان شانرا کمک و یاری برسانند تا آنها اقلاً شناختی نسبی در این مورد داشته باشند و از جانب دیگر از طریق نهاد های فرهنگی محافل شعر و غزل، بیشتر راه اندازی شود و هنرمندان کلاسیک خوان و غزل سرایان را دعوت نمایند تا جوانان ما اهسته، اهسته به شناخت موسیقی اصیل خودمان نایل گردند.

- ایا تا به حال البومی از شما به علاقمندان موسیقی غزل عرضه شده و همچنان از کارهاییکه روی دست دارید لطفاً معلومات دهید؟

- باید عرض کنم که نسبت نبود نوازنده گان آلات موسیقی وطنی خودما موفق به ضبط البومی نشده ام با وجودیکه پارچه های جدید از دیر زمانی دارم که کمپوز های انرا هنرمندان خوب ما برایم ساخته اند که انشاءالله در اولین فرصت ممکن به ضبط آنها اقدام خواهم کرد. فعلاً مصروف کار بالای پارچه های جدید با محترم استاد حسین بخش، هستم و همچنان یک تعداد از شاگردان استاد حسین بخش را که در المان هستند همکاری و کمک میکنم.

محترم حفیظ بخش از اینکه به سوالاتم پاسخ ارایه نمودید از شما تک دنیا تشکر، موفقیت مزید برایت ارزو میدارم.

فضل الرحیم رحیم

۲۶ اگست ۲۰۰۸